

## بررسی تحریف‌ناپذیری قرآن در آثار شیخ بهاءالدین عاملی

\*فتح الله نجارزادگان\*

\*\*محسن رفعت

**چکیده:** تحریف‌ناپذیری قرآن در آثار شیخ بهایی، حداقل با سه دلیل آیات، احادیث و تواتر، تمام اجزای قرآن قابل اثبات است. دلیل قرآنی، مستند به آیه ۹ سوره حجر و آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت است. و دلیل روایی مستند به احادیث عرض و استفاده از شمار زیادی از احادیث فقهی و غیرفقهی در زمینه‌های آن است.

دلیل تواتر نیز مبتنی بر انگیزه‌های غیرقابل توصیف مسلمانان در نقل، حفظ، نگارش و... تمام اجزای قرآن است. به همین‌رو، شیخ بهایی اختلاف‌گوهری در کلمات قرآن را مستند به تواتر و قرائت نماز را با هرکدام از قرائات هفتگانه بدون اشکال می‌داند و اختلاف سایر مصاحف با مصحف موجود را بی‌اعتبار قلمداد می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** تحریف‌ناپذیری؛ شیخ بهایی؛ قرآن؛ احادیث؛ تواتر.

---

Email: [najarzadegan@ut.ac.ir](mailto:najarzadegan@ut.ac.ir)

\*. استاد پردیس قم دانشگاه تهران.

\*\*. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، پردیس قم.

## واژه تحریف در لغت و اصطلاح

تحریف از ریشه «حرف» (به معنای لبه و کناره) (ابن‌فارس، ج ۲، ص ۴۲؛ راغب اصفهانی، ص ۲۲۸) به معنای مایل کردن، به کنار بردن و دگرگون ساختن آمده (ابن‌فارس، ج ۲، ص ۴۳) و تحریف سخن به معنای متمایل ساختن معنای کلام از مقصود گوینده به سمت احتمالی است که امکان دارد سخن گوینده را بر آن حمل کرد (راغب اصفهانی، ص ۲۲۸) که نتیجه آن ایجاد نوعی دگرگونی در مقصود گوینده خواهد بود. نخستین بار این واژه در قرآن و سپس در احادیث به کار رفته است. تحریف قرآن را می‌توان به دونوع معنوی و لفظی تقسیم کرد. مقصود از تحریف معنوی تفسیر و توجیه سخن برخلاف مقصود گوینده است و این نوع تحریف در قرآن رخ داده و امام علی علیه السلام نیز از وقوع آن در زمان خود و آینده خبر می‌دهند و می‌فرمایند: «به خدا شکوه می‌برم از مردمی که کالای نزد آنان بی‌بهادر از کتاب خدا نیست، هرگاه چنان که باسته است تلاوت شود؛ و پرسودتر و گرانبهاتر از آن نیست، اگر از معنای خویش تحریف گردد». قرآن مجید نیز از وقوع این نوع تحریف در کتابهای آسمانی گذشته خبر داده و فرموده است: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (برخی یهودیان سخنان [تورات] را از جاهای خود تحریف می‌کنند). (نساء (۴ / ۴۶)

موقع نزاع به طور عام و در آثار شیخ بهایی به طور خاص، در مورد تحریف لفظی قرآن است که شامل تبدیل و افزایش یا کاهش در آنهاست.

جایگاه و اهمیت بحث درباره تحریف‌ناپذیری قرآن، بسی و الاست. چون اگر سلامت قرآن از تحریف به اثبات نرسد، هرگونه استدلال به آیات قرآن مورد تردید قرار می‌گیرد؛ زیرا در غیر این صورت، احتمال اینکه آیات مورد استدلال، تحریف شده و مقصود خداوند تغییر یافته باشد، همواره وجود خواهد داشت. پذیرش تحریف قرآن در پاره‌ای از موارد، مستلزم انکار اعجز قرآن خواهد بود. اعتبار احادیث معصومان، به ویژه در مقام تعارض روایات با یکدیگر نیز به قرآن متکی

### پیشینهٔ نظریّهٔ تحریف‌ناپذیری قرآن

است و اگر در قرآن تحریفی رخ داده باشد، اعتبار روایات نیز مخدوش خواهد شد.  
(برای مطالعه بیشتر، نک: مصباح‌یزدی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ حسینی میلانی، ص ۵۵-۵۶)

پیشینهٔ بحث تحریف‌ناپذیری قرآن را باید همزمان با نزول قرآن و در متن آيات وحی جستجو کرد. اگر افرون بر آیات دیگر قرآن (فرقان ۲۵) / ۳۰؛ سجده (۳۲) / ۳۲؛ دربارهٔ وجه استدلال به این آیات به سلامت قرآن از تحریف؛ نک: نجارزادگان، ص ۲۱-۲۲) دلالت آیات ۹ سورهٔ حجر و ۴۱ و ۴۲ سورهٔ فصلت را بر اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن کافی بدانیم، باید اذعان کنیم نقطهٔ آغاز و سنگ بنای عدم امکان راهیابی خلل در الفاظ قرآن را خود قرآن پی نهاده است.

پس از قرآن، کهن‌ترین سندی که هم‌اکنون در دسترس ماست، صحیفهٔ سجادیه از قرن اول است؛ بخش‌های فراوانی از دعا‌های صحیفه -که در مقام اوصاف موجود است و بر سلامت این کتاب‌گواهی می‌دهد (مانند دعای ۴۲) -مانند این عبارت که می‌فرماید: «خداوند!... قرآن را میزان عدالت - در تمام باورها و کردارها - قراردادی؛ به گونه‌ای که لسان آن از حق منحرف نمی‌شود!...» (همان) از سوی دیگر، هرگز قرآن محرّف میزان درست برای سنجش نیست.

در احادیث پیامبر خدا افرون بر احادیثی زیاد که دربارهٔ فضایل قرآن در منابع فریقین نقل شده (نک: متقی هندی، ج ۲، ص ۲۸۴-۲۹۳؛ مجلسی، ج ۹۲، ص ۱۲-۳۳) احادیث عرض اخبار بر کتاب خدا (کلینی، ج ۲، ص ۶۹، رقم ۱؛ عیاشی، ج ۱، ص ۸، رقم ۲؛ طوسی، ج ۲، ص ۲۲۷، رقم ۴) پناه بردن به قرآن در هنگام هجوم شببه‌ها و فتنه‌ها (کلینی، ج ۲، ص ۵۹۸-۵۹۹، رقم ۲) و حدیث ثقلین پیشینهٔ بحث را با قدمت نزول قرآن همگام می‌سازد. چون این اوصاف برای قرآن با تحریف و تبدیل در الفاظ آن، سر سازش نخواهد داشت.

تفسیران در مقدمهٔ تفسیر و نیز ذیل آیاتی که در این باره‌اند (به ویژه آیه ۹ سورهٔ

حجر) و اصولیون در بحث ناسخ و منسوخ و حجّیت ظواهر قرآن، فقها در بحث جواز قرائت سبعه در نماز و گزینش یک سوره پس از حمد و متکلمان در کتابهای کلامی، به این مسئله پرداخته‌اند.

### بررسی ادله تحریف‌ناپذیری قرآن از دیدگاه شیخ بهایی

ادله سلامت قرآن از تحریف را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: آیات قرآن، احادیث، تواتر اجزای قرآن و دلیل عقلی. آنچه از این ادله در آثار شیخ بهایی<sup>۱</sup> به چشم می‌خورد، سه دلیل قرآن، احادیث و تواتر است.

#### الف) دلیل قرآن

استدلال شیخ بهایی به قرآن، آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الْكِتَابَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر ۱۵) / ۹ «ما خود ذکر (قرآن) را فرود آورده‌یم و خود نگهبان آن هستیم» است. ایشان می‌نویسد:

اختلقو في وقوع الزيادة والنقصان فيه وال الصحيح أن القرآن العظيم محفوظ  
عن ذلك زيادة كان أو نقصاناً . و يدلّ عليه قوله تعالى ﴿... و إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

(بلاغی، ج ۱، ص ۶۱)

دریاره و قوع افزایش و کاهش در قرآن، اختلاف کرده‌اند؛ اما قول درست این است که قرآن از وقوع این امر، چه به زیاده و چه به نقصان، محفوظ است. و بر این مطلب این آیه دلالت دارد: «... و همانا مانگهبان آن هستیم». وجه استدلال به این آیه بدین شرح است: کلمه «ذکر» در اینجا به قرینه آیات پیش از این آیه، به معنای قرآن است. تردید در این معنابی مورد است. (نک: نوری،

۱. پاره‌ای از آثاری که از شیخ بهایی مورد فحص و بررسی قرار گرفت تا بتوان دیدگاه شیخ را در مورد تحریف‌ناپذیری قرآن بدست آورد، عبارت‌اند از: زبده الاصول، العروة الوثقى، الاثنا عشرية فى الصلة اليومية، مفتاح الفلاح، الأربعون حدیثاً، مشرق الشمسین، المخلافة، الحبل المتن، توضیح المقاصد، مقالة حول القرآن الكريم (در کتاب وجه تسمیة المفید بالمفید)، الکشکول، الحاشیة على کتاب من لایحضره الفقیه (از کتاب میراث حدیثی شیعه)، حرمة ذبائح اهل الكتاب و ...

ص ۳۶۱-۳۶۲) جمله اول این آیه، با دو کلمه تأکیدی «إن: همانا و نحن: ما» و به کار گرفتن ضمیر جمع «نا و نحن: هر دو به معنای ما» (که دلالت بر عظمت کار دارد) برای رفع تردید کسانی است که در آیات پیشین به آنان اشاره شده است. آنان از نزول قرآن از سوی خدا تردید داشتند و آن را انکار می‌کردند و نیروهای غیرالاهی را در این زمینه دخیل می‌دانستند. خداوند با این کلام مؤکد، از یک سو، دخالت نیروی دیگری را در نزول قرآن نفی و آن را صرفاً به خدا منتبث می‌کند، و از سوی دیگر، بر عظمت قرآن و سلامت آن از هر نوع دستبردی در حین نزول تأکید می‌نماید. جمله دوم آیه شریفه نیز با ذکر ادات تأکید «إن و لام مفتوحه: هر دو به معنای همانا و قطعاً» و نیز ضمیر جمع «نا» و وصف جمع «حافظون: نگهبانان» از نگهبانی و حفظ قطعی قرآن پس از نزول آن سخن می‌گوید. نحوه بیان این بخش نیز هر نوع تردیدی را در این زمینه می‌زداید.

حفظ قرآن در این آیه، به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی بیان شده؛ بنابراین، شامل حفظ آن از هر نوع تحریفی، از جمله اسقاط، تغییر یا تبدیل در آیات (که اهمیّتش از هر نوع حفظی بیشتر است)، می‌شود و برخلاف ادعای برخی تنها اختصاص به حفظ معارف قرآن در برابر شبّهٔ معاندان نیست (همو؛ چون اگر تحریفی در الفاظ قرآن رخ داده باشد (با توجه به همبستگی محتوای معارف قرآن که گاهی افزودن یا کاستن یک حرف، مطلب حقّی را باطل می‌کند)، محتوای قرآن در برابر شبّهات نیز پابرجا نخواهد ماند. این ادّعا نیز که وعده حفظ قرآن تنها در قلب پیامبر خدا امکان دارد یا حفظ یک نسخه از قرآن نزد معصوم، برای تحقق وعده خدا کافی است (همو) نیز، بی مبنایست و چون هدف از نزول قرآن هدایت است، باید قرآن در میان مردم محفوظ بماند تا زمینه هدایت آنان فراهم آید. اگر گفته شود قرآن تحریف شده باز بر سمت هدایتگری اش باقی است، باید گفت: در این صورت، نیازی به وعده خدا بر حفظ قرآن در قلب حضرت رسول نیز نبود.

دلیل دیگر از قرآن در آثار شیخ بهایی این آیات شریفه است: «... وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت ۴۱) / (۴۲-۴۱) «... و به طور قطع، آن کتابی عزیز است که باطل از رویرو و پشت سر، به آن راه نمی‌یابد. از ناحیه خداوند حکیم و ستوده فرود آمده است.» مرحوم شیخ بهایی در این باره می‌نویسد:

«لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ» و لا تطرق إلَيْهِ التَّغْييرُ فِي ذَاتِهِ و لَا فِي وَصْفِهِ.

باطل از رویرو و پشت سر به آن راه نمی‌یابد و تغییر در ناحیه ذات قرآن و وصف آن، راه نخواهد یافت. (بهایی، ص ۱۶)

بدون تردید، مقصود از واژه ذکر و کتاب در این دو آیه، قرآن مجید است. دو وصف «عزیز: رسوخ ناپذیر» و «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ»: «باطل به آن راه نمی‌یابد» و «تنزیل من حکیم حمید»: «نازل شده از سوی خداوند حکیم ستوده» هر کدام به طور مستقل، دلالت بر عدم تحریف قرآن می‌کند. چون واژه «عزیز» به معنای شکست ناپذیر و غیرقابل نفوذ است. (راغب اصفهانی، ص ۵۶۴) و تحریف لفظی نوعی شکست و موجب نفوذ پذیری قرآن است. واژه «باطل» نیز به معنای نقیض حق، چیزی را گویند که ثبات ندارد و تباہی و فساد می‌پذیرد (همو، ص ۱۲۹) و قرآن که می‌فرماید: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» «باطل به آن راه نمی‌یابد» به طور مطلق، هر نوع تغییر و تبدیلی را در خود نفی می‌کند و اختصاصی به نفی باطل در محتوای قرآن نیست؛ زیرا با توجه به اعجاز قرآن، در محتوای غنی و معارف هماهنگ و سرتاسر حق قرآن که با نظمی خاص در مجموعه آیات و جملات یک سوره و مفاد آن قرار دارد، هرگونه تغییر و تبدیل در الفاظ به محتوا، حقانیت و هماهنگی معارف قرآن آسیب می‌رساند و مصداق تباہ شونده و فساد پذیر می‌گردد؛ در حالی که این آیه با تعبیر «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ» «از پیش رو و از پشت سر» به صورت مطلق و در هر زمان و از هر جهت، چنین



امری را منتفی دانسته است. جمله پایانی این آیه یادآور این نکته است که قرآن به این دلیل قابل تحریف و تغییر نیست که فروض آمده از سوی خداوند حکیم و ستوده است. خداوندی که کارهایش هدفدار و بدون نقص است و خود برخوردار از همه کمالهاست. بنابراین، اگر قرآن تحریف شده باشد، نقض غرض و ناسازگار با حکیم بودن خدا خواهد بود.

برخی در استدلال به این آیات، چنین مناقشه کرده‌اند: «در قرآن چیزی که مستلزم بطلان محتوای آن باشد، مانند تناقض در احکام یا کذب در گزارشها و سرگذشت‌های آن، راه ندارد... و نمی‌توان معنای نفی باطل در قرآن را به تحریف و تغییر الفاظ آن گسترش داد... افزون بر آن، نفی باطل با حفظ یک نسخه نزد اهل بیت، تحقق می‌یابد و نیازی به حفظ نسخه‌های موجود نیست.» (نوری، ص ۳۶۰-۳۶۲)

این مناقشه‌ها بی‌مایه است؛ چون: نحوه بیان آیات مذکور، مطلق و بدون هیچ قیدی است و عدم راهیابی باطل در محتوای قرآن، بهترین گواه بر سلامت قرآن از هر نوع تحریف لفظی است. و الا اگر در الفاظ و عبارتهاي قرآن به ویژه در سطحی وسیع، آن‌گونه که پندارگرایان مدعی نظر دارند - دگرگونی راه یافته باشد، معارف آن نیز دگرگون شده و بطلان در آن راه می‌یابد. پاسخ به شبّهٔ حفظ یک نسخه نزد معصوم نیز در استدلال به آیه قبل، بیان شد.

یادآور می‌شود که نباید احتمال داد که آیات مورد استناد برای عدم تحریف، خود تحریف شده‌اند؛ زیرا صرف احتمال تحریف هیچ متنی را از اعتبار نمی‌اندازد. نهایت این احتمال، ضرورت بررسی تحریف یا عدم آن است و چنان که دلیل بر تحریف به دست نیاید، اعتبار متن تثبیت می‌شود. افزون بر این، هیچ شاهد روایی و غیرروایی بر تحریف این آیات به چشم نمی‌خورد و مقایسه ساختار و محتوای این آیات با آیات قبل و بعد آن‌ها نیز نشان می‌دهد که آنها مجموعه‌ای منسجم و به هم پیوسته‌اند و تمام اوصاف اعجازی قرآن را دارند؛ به گونه‌ای که هیچ تردیدی در

قرآن بودن آنها روانیست.

مرحوم شیخ بهایی در همین باره، به مفاد آیه «يَا أَئِهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِّنَبِإِ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات ۴۹ / ۶) برای حجّیت خبر واحد عادل و به مفاد آیه وضو (مائده ۵ / ۶) که به تفصیل به تفسیر آن پرداخته (بهایی، مشرق الشمسین، ۴۳)، استناد کرده است و این نیز شاهدی بر حجّیت قرآن و در نتیجه، سلامت آن از تحریف در دیدگاه شیخ دارد. (همان، ۱۰۶-۱۱۸)

### ب) احادیث

دانشمندان به احادیثی گوناگون برای اثبات سلامت قرآن از تحریف، استدلال کرده‌اند (نک: نجارزادگان، ص ۲۱-۲۲). این به معنای نیاز قرآن به احادیث در این باره نیست؛ چون در واقع، اعتبار احادیث از قرآن است و صحّت و سقمان با محک قرآن به دست می‌آید؛ لیکن چون نوع این احادیث درگواهی شان بر سلامت قرآن از تحریف، از سوی خود قرآن تأیید می‌شود، برای نیل به دو هدف - اثبات سلامت قرآن از تحریف و ساقط کردن احادیث تحریف‌نما (در صورتی که تأویلی درست برای معنای آنها نتوان یافت) - به آنها تمسّک می‌شود؛ چون در مقام تعارض احادیث، ناگزیر احادیثی که سندشان ضعیف و دلالتشان مبهم و یا موافق قرآن نباشد، ساقط‌اند و در آنها روایات تحریف‌نما می‌باشند.

از جمله این احادیث، «روایات عرض علی کتاب الله» اند (نک: کلینی، ج ۱، ص ۶۹، رقم ۴-۱؛ عیاشی، ج ۱، ص ۸۲-۸۴؛ حز عاملی، ج ۲۷، ص ۱۰۹-۱۱۲؛ نهج البلاغة، حکمت ۵۳) که بر تواتر معنوی آنها تصریح شده است. (انصاری، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱) این احادیث که نیرومندترین ادله حدیثی بر تحریف‌ناپذیری قرآن اند، در مدلول مطابقی شان، میزان بودن مطلق قرآن و حاکمیّت آن را بر اخبار و آراء و در مدلول التزامی شان سلامت قرآن را از هر نوع تغییر و تحریفی به اثبات می‌رسانند؛ چون با وجود تحریف، مقیاس قرآن دچار تردید می‌شود و از کار می‌افتد و مسلّماً مراد از عرضه بر کتاب

خدا جز عرضه به متن موجود نیست و اگر غیر این باشد، «تکلیف ما لا يطاق» خواهد بود که مردود است. این اخبار ریشه نبوی دارد (حرّ عاملی، ج ۲۷، ص ۱۰۹، رقم ۱۰ و ۱۵) و تقیه در آنها موضوعاً منتفی است.

مرحوم شیخ بهایی در یک تحلیل نسبتاً گسترده پیرامون تفسیر آیه وضو (مائده ۵/۶) به بررسی و نقد روایات عامه در این باره می‌پردازد؛ با مقیاس قرآن آنها را ارزیابی می‌کند و از صحّت و سقمشان پرده بر می‌دارد. (بهایی، ص ۱۳۳) این تلقّی از قرآن به عنوان مقیاس صحّت و سقم، از روایات متواتر عرض در ذهن شیخ بهایی نشسته است.

شیخ بهایی در مباحث فقهی نیز به احادیثی که ناظر به احکام فقهی است، استناد کرده است. از جمله، روایات لزوم قرائت سوره کامل پس از حمد در نماز (کلینی، ج ۳، ص ۳۱۳) که فقهاء، خواندن آن را پس از حمد واجب دانسته و آن را اجماع فقیهان اهل بیت می‌دانند. ادعای صدور این حکم از سر تقیه نیز هیچ‌گونه توجیهی ندارد؛ زیرا بیشتر مذاهب قائل به وجوب قرائت سوره کامل نیستند. حال اگر قائل به تحریف شویم، امثال این حکم ناممکن می‌شود؛ چون به اصطلاح اصولیان لازمه «اشغال یقینی»، «برائت یقینی» است و مکلف باید برای امثال حکم، یک سوره قرائت کند؛ ولی با احتمال تحریف، با قرائت هیچ سوره‌ای یقین به امثال حاصل نخواهد شد؛ چون با پذیرش تحریف، تمام سوره‌ها محتمل التحریف‌اند. این استدلال در تمام احکام شرعی که در آنها بر قرائت سوره کامل یا آیه کامل تصریح کرده‌اند، جاری است. (لتکرانی، ص ۲۲۱)

روایات فراوان دریاره فضایل و آثار مترتّب بر قرائت، حفظ، نگارش، ختم و... قرآن در دیدگاه شیخ بهایی، مستندی دیگر برای سلامت قرآن از تحریف است؛ چون با فرض تحریف، امثال این احکام دشوار بلکه محال خواهد بود. درباره صدور این اخبار در زمان رسول خدا **أَنِيزْ فِي الْجَمْلَةِ نَمِيْ تَوَانَ تَرْدِيدَ كَرَدْ**. شیخ

صدقه با استناد به این احادیث نوشته است: «آنچه در ثواب قرائت سوره‌های قرآن و جواز قرائت دو سوره در هر رکعت از نماز نافله و ثواب ختم تمام قرآن و نیز نهی از قرائت تمام قرآن در یک شب و عدم جواز آن در کمتر از سه روز آمده، دلیل بر سلامت قرآن از تحریف است.» (صدقه، ص ۸۶)

#### ج) دلیل توادر:

اثبات تحریف ناپذیری قرآن با دلیل توادر، تلفیقی از دلیل روایی و شواهد تاریخ است (که در واقع، چون این شواهد، مستند به روایات‌اند می‌توان آن را بخشی از دلیل روایی به شمار آورد). در این دلیل، به اهتمام ویژه مسلمانان از عصر وحی تاکنون، در تمام ابعاد جمع‌آوری، حفظ، ضبط، قرائت و نگارش قرآن و نیز انس بی‌پایان و قداستی که این کتاب از همان اوان نزول در زرفای جانشان داشته، توجه شده است (نک: ابن جزری، ص ۵-۶). بنابرگزارش‌های متعدد تاریخی، مسلمانان نسبت به کوچک‌ترین تغییر در این زمینه حساسیت داشتند از خود واکنش نشان می‌دادند. این شواهد موجب توادر اجزای قرآن خواهد بود و هر نوع تردیدی را درباره تغییر در قرآن، پایان می‌دهد. مرحوم شیخ بهایی در این باره چنین می‌آورد:

القرآن متواتر، لِتُوَفِّ الدُّوَاعِي عَلَى نَقْلِهِ... وَ السَّبْعُ مُتواترَةٌ إِنْ كَانَتْ  
جوهرِيَّةٌ كَـ«مَلْكٍ» وَ «مَالِكٍ»، أَمْـا الْأَدَائِيَّةُ كَـالْمَدْ وَ الْإِمَالَةُ فَلَا، وَ لَا عَمَلٌ

بِالشَّوَادِّ. (بهایی، زیده الأصول، ص ۸۶)

قرآن به دلیل انگیزه نقل فراوانی که دارد متواتر است... و اگر اختلاف مربوط به حروف کلمات باشد، مانند «ملک» و «مالک»، تحت قرائات هفت‌گانه و متواترند [و بدون اشکال است]؛ ولی اگر اختلاف در نحوه ادای کلمه باشد، مانند «مد و اماله» متواتر نخواهد بود [باز هم اشکالی تولید نخواهد شد؛ چه اینکه [عمل به قرائات شاذ و خلاف قرائات هفت‌گانه، جایزن نیست.

از نمونه‌های اهتمام شدید مسلمانان به نقل قرآن و حفظ آن از هر تغییر که زیرساخت توادر قرآن به شمار می‌آید، می‌توان به جریان عثمان بن عفان اشاره کرد.

وی گمان می کرد «و» در ابتدای «الذین» در آیه «... وَ الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَ  
الْفِضَّةَ...» (توبه ۹ / ۳۴) نیست؛ اما ابی بن کعب خلیفه را بیم داد که اگر «و» را بر  
جایش نگذارند، شمشیر از نیام بر می کشد. (سیوطی، ج ۳، ص ۲۳۲) در موردی دیگر،  
خلیفه دوم بر این پندار بود که در قرائت آیه ۱۰۰ سوره توبه «... وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ  
مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ...» واژه «انصار» مرفوع است و حرف «و»  
در ابتدای «الذین» وجود ندارد. در این صورت جایگاه شایسته انصار منوط به  
تبعیت آنان از مهاجران می شد (و در مفاخرت مهاجران و انصار پس از رسول  
خدا مؤثر بود و به سود مهاجران تمام می شد). این بار نیز ابی بن کعب به عمر  
اعتراض و تأکید کرد که آیه چنان که او قرائت می کند نیست. (طبری، ج ۱۱، ص ۷؛  
سیوطی، ج ۳، ص ۲۶۹) عمر بر این باور بود که در قرآن آیه ای هست که «حدّرجم» را ذکر  
کرده است؛ اما از اینکه این باور را اعلام کند و مردم اورا به افزودن بر کتاب خدا  
متهم کنند، می هراسید. (ابن انس، ج ۲، ص ۸۲۴) در بین امامیه نیز نخستین کسی که به این دلیل عطف توجه کرده علم الهدی شریف مرتضی (م ۴۳۶ ق) است. (شریف  
مرتضی، ص ۳۶۱-۳۶۴)

دیدگاه تفصیلی شریف مرتضی در اینباره، در کتاب «المسائل الطرابلسیات  
الاولی» آمده که هم اکنون مفقود است؛ لیکن ایشان در کتاب «الذخیرة فی علم  
الکلام» خلاصه دیدگاه خود را آورده و گفته است:

ما در کتاب «المسائل الطرابلسیات» روشن ساختیم که قرآن به طور درست،  
همان گونه که بوده، نقل شده؛ بدون آنکه در آن نقصان، تبدیل یا تغییر و  
دگرگونی رخ داده باشد... در آنجا متذکر شدیم که عنایت شدید و  
انگیزه های قوی مسلمین بر نقل قرآن و حفظ و حراست از آن، از حد نقل  
حوادث، رویدادها و کتابها به مراتب بیشتر است... علم به جزئیات قرآن  
مانند علم به کلیت آن است... و ناگفته پیداست که عنایت به قرآن و ضبط آن  
بسی فراتر از عنایت به ضبط و ثبت کتاب سیبویه و دواوین شاعران است و

هرگز این دو با یکدیگر قابل مقایسه نیست. (همو، ص ۳۶۱)

پس از علم الهدی گروهی دیگر شیوه او را پیموده‌اند؛ مانند ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ق) در کتاب مثالب النواصب (ابن شهرآشوب، ص ۴۲۸، نسخه لکه‌نو و ۴۷۱ نسخه سپهسالار). شیخ سدیدالدین محمود المحسنی (م اوایل قرن هفتم) در کتاب «المنقد من التقليد» در بخشی از کلام خود می‌نویسد: «تواتر کل قرآن و اجزاء و تفاصیل آن بدیهی است... و انکار ابن مسعود نسبت به معوذین، تواتر قرآن را مخدوش نمی‌کند؛ چون او یک نفر است...» (حمصی، ص ۴۷۷-۴۷۸)

شبیه به این استدلال از مرحوم شیخ بهایی آمده است. وی در مقام نقد دیدگاه کسانی که دو سوره «الضحی» و «الإنتراح» و دو سوره «الفیل» و «قریش» را یک سوره می‌پنداشد و به دلیل عدم فصل بین آنها در مصحف ابی بن کعب، تمسک جسته‌اند، نوشه است:

### عدم الفصل في مصحف ابی لعله سهو منه على أنه لا يصلح معارضًا لسائر مصالح الأمة.

و اینکه در مصحف ابی بن کعب، بین این دو سوره فاصله ایجاد نشده، شاید اشتباهی از جانب او بوده است. افرون بر آن، این مصحف، شایستگی معارضه با مصالح [رایج بین] سایر امت (دیگر اصحاب) را ندارد. (بهایی، العروة الوثقی، ص ۴۸-۵۲)

دلیل تواتر اجزای قرآن در بین متأخران نیز مورد توجه بوده است؛ مانند مرحوم شرف الدین عاملی (م ۱۳۷۷ق) در «اجوبة مسائل جار الله» که چنین آورده است: «هر حرفی از حروف قرآن در تمام نسلها تا عهد وحی و نبوّت، متواتر به تواتر قطعی است.» (شرف الدین، ص ۲۸ و ۱۶۳)

و بالاخره مرحوم امام خمینی (م ۱۴۰۹ق) که از جمله ادلّه عدم تحریف قرآن، عنایت ویژه مسلمین را به جمع، حفظ، قرائت و نگارش قرآن بر شمرده‌اند که مستلزم تواتر در تمام اجزای قرآن خواهد شد. (امام خمینی، ج ۲، ص ۱۶۵)

#### د) اختلاف قاریان و پندار تحریف قرآن

اختلاف قاریان در تلفظ و کلمات قرآن، تحریف در لفظ یکسان نیست. برخی این دورا یکسان پنداشته، تحریف قرآن را نتیجه گرفته‌اند (برای مطالعه بیشتر نک: نوری، ص ۲۰۹). این نتیجه‌گیری مبتنی بر عدم پذیرش تواتر قرائات هفتگانه یا دهگانه است؛ چون با پذیرش تواتر، همه اختلافها در هیئت کلمات و حروف قرآن که در معنا مؤثرند، از ناحیه خدادست (حلی، ج ۳، ص ۱۴۱؛ بهایی، زیده الأصول، ص ۸۶) و موجب تحریف نخواهد بود. شیخ بهایی بر همین باور است که قرائات هفتگانه متواترند؛ لیکن با تبیین عالمانه در تفاوت بین اختلاف کلمات در حروف آنها با اختلاف در چگونگی تلفظ کلمات، ایشان می‌نویسد:

«... و السبع متواترة إن كانت جوهرية كـ «ملك» و «مالك»، أمّا الأدائيّة

كـ المد والـ إمالة فلا، ولا عمل بالـ الشواذ.» (بهایی، زیده الأصول، ص ۸۶)  
و اگر اختلاف در حروف باشد، مانند «ملك» و «مالك»، قرائات هفتگانه متواترند [و بدون اشکال است] ولی اگر اختلاف در نحوه ادای کلمه باشد، مانند «مد و اماله» متواتر نخواهد بود [چه اینکه] عمل به قرائات شاذ و خلاف قرائات هفتگانه، جایز نیست.

به همین‌رو، از نظر شیخ بهایی، نمازگزار می‌تواند به نحو تخيیر، هرکدام از قرائات را برگزیند و در نماز قرائت کند. ایشان در این‌باره چنین می‌آورد:

لَا خلاف بَيْنَ فَقَهَائِنَا - رَضُوانُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ - فِي أَنَّ كُلَّمَا تواتَرَ مِنَ الْقِرَاءَاتِ  
يُجُوزُ الْقِرَاءَةُ بِهِ فِي الصَّلَاةِ وَلَمْ يَفْرَقُوا بَيْنَ تَحَالِفَهَا فِي الصَّفَاتِ أَوْ فِي إِثْبَاتِ  
بَعْضِ الْحَرُوفِ وَالْكَلِمَاتِ كَمَلْكٍ وَمَالِكٍ وَقَوْلَهُ تَعَالَى «تَحْرِيَ مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارِ» بِإِثْبَاتِ لَفْظَةٍ مِنْ وَتْرِهَا، فَالْمَلْكُفُ مُخَيْرٌ فِي الصَّلَاةِ بَيْنَ التَّرْكِ وَ  
الْإِثْبَاتِ إِذْ كُلٌّ مِنْهَا مَتواتِرٌ. (بهایی، العروة الوثقی، ص ۶۹. نیز بنگرید: الحبل

المتین، ص ۷۲۳؛ الاشنا عشریة، ذیل واجبات لسانی نماز، نکته چهارم، ص ۲۷)

هیچ اختلافی میان فقهای مانیست در اینکه هرچه از الفاظ قرآن به تواتر ثابت شده باشد، قرائت آن در نماز جایز است. آنها [در این جواز] میان مواردی که اختلاف قرائت از اختلاف صفات ناشی شده، یا به دلیل آوردن بعضی از حروف و کلمات است، تفاوتی نهاده‌اند؛ مانند «ملک» و «مالک» و نیز این گفتار خداوند که می‌فرماید: «تَحْبَرِي مِنْ تَحْتَهَا الْأَمْهَارِ» که هم با لفظ «من» و هم بدون آن قرائت شده است. بنابراین، شخص مکلف در نماز مخیر است که به هر دو شکل قرائت کند [هم با حرف من و هم بدون آن]، چرا که هر دوی آنها متواتر است.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا خالی از لطف نیست، این است که با نفی تواتر قرائات، تواتر کلمات قرآن متفق نیست. زیرا چه بسا قرائت آیه شرح و تفسیر آن باشد. به طور نمونه، کلینی قرائت امام علی علیّاً از این آیه را چنین گزارش می‌دهد: «وَإِذَا تَوَلَّ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحُرْثَ وَالنَّثْلَ» (بقره ۲۰۵ / ۲) بظلمه و سریرته (کلینی، ج ۸، ص ۲۸۹) این دو واژه تفسیر آیه است که ستمنگری و نهاد زشت مفسدان را علت پایمال کردن کشت و نسل می‌شناسند. در غیر این صورت، همان‌گونه که آیة الله خویی می‌گوید:

متن کلمات و آیات قرآن حقیقتی است و اختلاف در شکل کلمات و چگونگی ادای آنها، حقیقتی دیگر است؛ چون هر چه که برای نقل آن انگیزه‌های زیاد و شدید وجود داشته باشد، به تواتر نقل می‌شود و انگیزه مسلمانان برای نقل متن کلمات و آیات قرآن به قدری شدید بوده که قابل وصف نیست (چون قرآن اساس دین و معجزه الاهی آنان است). بنابراین اگر قاریان هفتگانه یا دهگانه هم وجود نداشتند، باز قرآن به تواتر ثابت بود و جریان دائمی قداست و صحّت آن نیز به این منحصر نبود. (خویی، ص ۱۵۸)

بنابراین اختلاف قاریان در ادای کلمات قرآن، موجب خلل به جوهره کلمات و آیات قرآن نیست، و کسی قائل به تلازم بین نقصان سوره‌ها، آیات و کلمات قرآن، با اختلاف در هیئت و چگونگی ادای کلمات قرآن نمی‌باشد. ادله سلامت قرآن از



تحریف نیز هرگونه اختلاف در ادای کلمات قرآن را که بخواهد به جوهره کلمات سرایت کند و به گونه‌ای شود که موجب تغییر معنا و عدم دست‌یابی به مراد واقعی خدا شود، منتفی می‌سازد.

موضوع بحث، تحریف‌ناپذیری در الفاظ قرآن در آثار شیخ بهایی است. این معنا شامل تبدیل، افزایش یا کاهش در آن‌ها خواهد بود.

سلامت قرآن از تحریف به این معنا در آثار شیخ بهایی با سه دلیل آیات، احادیث و تواتر اجزای قرآن قابل اثبات است. دلیل قرآن مستند به آیه ۹ سوره حجر و آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت و دلیل روایی مستند به احادیث عرض و روایات ناظر به احکام فقهی و غیر فقهی است که در صورت بروز تحریف در قرآن یا احتمال آن، این احکام و آثار آنها را دشواری (بلکه غیر ممکن) می‌گرداند.

دلیل تواتر که از قول به تواتر قرائات هفتگانه پدید می‌آید، تلفیقی از ادله روایی و شواهد تاریخی است و در پی آن، موجب تواتر در تمام اجزای قرآن می‌شود. این دلیل مبتنی بر انگیزه‌های راسخ و توانمند مسلمین در نقل، حفظ، نگارش و ... قرآن در تمام اجزای آن است. این دلیل در بین متقدّمان و متأنّران امامیّه مدد نظر بوده است. شیخ بهایی بر همین اساس، اختلاف سایر مصاحف را با مصحف موجود بی اعتبار می‌داند.

## كتاباته

### قرآن كريم

نهج البلاغة. جمع: شريف رضي، ضبط: صبحى صالح، بيروت: ١٣٨٧ ق.

صحيفة سجاد يه. تصحیح: فیض الاسلام، ١٣٧٥ ق.

١. ابن انس، مالک. الموطأ. تصحیح و تعلیق: محمد فؤاد عبدالباقي. بيروت: بي تا.

٢. ابن جریر، محمد. جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بيروت: ١٤٠٨ ق.

٣. ابن جزری، محمد. الشتر فی القراءات العشر. تصحیح: علی محمد الضیاع. مصر: مطبعة مصطفی محمد، بي تا.

٤. ابن شهرآشوب، علی. مثالب النواصب. مخطوط، (نسخه لکھنؤ و نسخه سپھسالار...).

٥. ابن فارس، احمد. معجم مقاييس اللغة. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مركز التشر لمکتبة الاعلام الاسلامی، ١٤٠٤ ق.

٦. امام خمینی، روح الله. تهذیب الأصول. تعریر: آیة الله جعفر سبحانی. قم: ١٣٨٠ ق.

٧. انصاری، مرتضی. فرائد الأصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

٨. بلاغی نجفی، محمد جواد. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. بي تا.

٩. بهاء الدين، محمد(شيخ بهائی). الأربعون حدیثا. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٥ ق.

١٠. .. الاثنا عشریة فی الصلوة الیومیة. تحقیق: الشیخ محمد حسون به اشرف: السید محمود مرعشی. قم: مکتبة المرعشی النجفی، ١٤٠٩ ق.

١١. .. توضیح المقادیص. مصر: مطبعة العباسیة، ١٣١٣ ق.

١٢. .. الحبل المتنین فی احكام الدين. بيروت: دار الهادی، الطبعة الاولی، ١٤٢٠ ق.

١٣. .. زبدة الاصول. تحقیق: فارس حسون کریم. قم: مرصاد، الطبعة الاولی، ١٤٢٣ ق.

١٤. .. العروة الوثقی. تحقیق: اکبر ایرانی قمی، قم: دار القرآن الکریم، بي تا، همچنین، التحقیق: فارس حسون کریم. قم: ١٤٢٣ ق.

١٥. .. الكشكوكل. قم: مؤسسة انتشارات فراهانی، بي تا.

١٦. .. المخلافة (توبيره). ترجمه: بهمن راذانی. انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
١٧. .. مشرق الشمسمين و إكسير السعادتين. تحقيق و تعليق: محمد اسماعيل بن حسين مازندراني خواجهی. مشهد: آستان قدس، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ ق.
١٨. .. مفتاح الفلاح. ترجمه: علی بن طیفور بسطامی. قم: نشر حکمت، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
١٩. حرر عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه. قم: آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
٢٠. حسینی میلانی، علی. التحقیق فی نفی التحریف. قم: ۱۴۱۷ ق.
٢١. حلی، حسن. تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت لایحاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
٢٢. حمصی، سیدالدین محمود. المنقذ من التقليد. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
٢٣. خواجهی، محمدبن حسن. وجه تسمیة المفید بالمفید. (مقالة حول القرآن الکریم از شیخ بهایی) تحقیق: سید احمد روضاتی. تهران: مکتب القرآن، ۱۴۱۳ ق.
٢٤. راغب اصفهانی، حسین. مفردات الفاظ قرآن. تحقیق: عدنان داودی. بیروت: الدار الشامیة، ۱۴۱۶ ق.
٢٥. سیوطی، جلال الدین. الإتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالندوہ، بیتا.
٢٦. شرف الدین، عبدالحسین. أوجوبة مسائل جار الله. نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۶ ق.
٢٧. صدوق، محمد. رسالة فی الاعتقادات. تحقیق: حسین درگاهی. المؤتمر العالمی لأنفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
٢٨. طوسی، محمدبن حسن. الأمالی. قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۴ ق.
٢٩. عیاشی، محمد. تفسیر العیاشی (كتاب التفسیر). تصحیح: هاشم الرسولی المحلاحتی. تهران: المکتبة الاسلامیة، بیتا.
٣٠. فاضل لنکرانی، محمد. مدخل التفسیر. مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعه الثانیة، ۱۴۱۳ ق.
٣١. کلینی، محمدبن یعقوب. الكافی. تصحیح: علی اکبر الغفاری، تهران: دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.
٣٢. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. تهران: المکتبة

الاسلامیة، ۱۳۹۷ ق.

۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی. معارف قرآن (قرآن شناسی). تحقیق و نگارش: محمود رجبی. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
۳۴. مهریزی، مهدی و صدرایی خوبی، علی. میراث حدیثی شیعه. قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. نجارزادگان (محمدی)، فتح الله. سلامة القرآن من التحریف و تفہید الافتراءات على الشیعة الامامیة. تهران: نشر عشر، ۱۳۸۳ ش.
۳۶. نوری، میرزا حسین. فصل الخطاب. الطبعة الحجرية، ۱۲۹۸ ق.
۳۷. هندي، على المتقى. كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال. تصحیح: صفوۃ السقا، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۵ ق.